

دکتر ظریف در دیدار با فعالان ترک:
همدیگر را پذیریم

نشر لوگوس منتشر کرد:

تحول مفهوم دولت
در ایران معاصر

زبان، گلدان تمدن است

گفت‌وگو با دکتر توکل غنی لوی، زبان‌شناس

مفت حوض (۲)

آرزوهای کال

زنی که وقت زایمانش نبود

سرچشمه (۳)





سلمان کریمی،داستان‌نویس:

نویسندگان بزرگ حوزه دفاع مقدس حمایت‌نشدند



هفت‌حوضی یک‌نویسندهٔانتقادر علم‌حمایت‌نویسندگان بزرگ حوزه دفاع مقدس گفت:جای اینکه‌بزرگان‌حمایت‌کنیم‌خواستیم افرادی را تربیت کنیم که در این حوزه شروع بنوشتن‌کنند.

به گزارش ایرانی تهران، سلمان کریمی با اشاره به اینکه زندگی مردم عادی در زمان جنگ در جریان است، ادامه داد: در بحبوحه جنگ وقتی تصاویر مناطق جنگی را می‌دیدیم، مشاهده‌می‌شدوقتی گلوله‌باران و بمباران‌است،مردم‌زندگی عادی خود را رها نکردند؛ زنی در روستا نان می‌پزد، چوپان گوسفند و گاو خود را به چرامی برد، یعنی زندگی در خلال جنگ جریان دارد و با اینکه در نتیجه هجوم دشمن ترس از مرگ وجود دارد، زندگی هم جریان دارد.

نویسنده کتاب «شکوچ» که داستان آن بر اساس عشق در زمان جنگ است، افزود: عشق عصاره زندگی است و زمانی که می‌خواهیم ویژگی بارز و خاص را در زندگی نشان‌دهیم،عشق را نشان می‌دهیم.همچنان‌که در عرفان هم همین مساله مطرح است، عصاره عرفان و زندگی در عشق است و جنگ خالی از عشق نیست. در این رمان عشق دو نفر را نسبت به هم داریم.

عشق به وطن هم یک نوع از عشق و همسو با جنگ است. او پایان‌اینکه داستان «شکوچ» واقعی نیست اما در بسترهای واقعیت اتفاق می‌افتد. ادامه داد: داستان در تخیل نویسنده اتفاق می‌افتد اما بسترهای داستان بر پایه حقیقت است، وقتی کتابی درمستور واقعی نوشته‌می‌شود،نویسنده‌نمی‌تواند در آن تحریف‌کند.سعی کردم،خنده‌های داستان بر اساس واقعیت باشد حتی اگر به صورت تالیفی نوشته شود. در جایی از داستان گلوله توپ وسط سفره یک نوجروس می‌افتد، این داستان در ارتباط با دو خیر حقیقی است که در آن روزها منتشر شد،یکی اینکه گلوله توپ وسط سفره خانواده‌می‌افتد و دیگری اینکه یک نوجروس در جریان جنگ کشته‌شد.

این نویسنده با تأکید بر اینکه تالیق رویدادهای می‌تواند بر تأثیر گذاری آن اضافه کند، گفت: از تلیق دو خبر صحنه‌ای ساختم که نکان هدنه‌تر از خبر تک‌تک آن‌ها بود؛ یعنی در سال‌های جنگ این اتفاق افتاد اما به شکل جداگانه و من در رمان آن‌ها را بهم تالیق کردم.

جنگ به همه ملت تعلق داشت

کریمی پایان‌اینکه در داستان «شکوچ» تاریخ تحریف‌نشده اما شخصیت‌ها ساخته شده‌است، توضیح داد: برای مثال سودا یکی از شخصیت‌های داستان از موش می‌ترسد اما در زمان جنگ دلوطلبانه عازم منطقه جنگی می‌شود. در این رمان از مردم خوزستان،تهران،اصفهان،زنجان و دیگر شهرها شخصیت‌هایی وجود دارد؛ زیرا جنگ فراگیر بود و برای یک گروه و یک شهر نبود. جنگ به همه ملت تعلق داشت.

با یکی از تکاوران دریایی که این روزها در خرمشهر راننده تاکسی است حضوری مصاحبه کردم

نویسنده کتاب «شکوچ» با بیان اینکه در فکر نوشتن برای خرمشهر نبود، ادامه داد: چند سال پیش کلیبی درباره «ناخدا صمدی» (هوشنگ صمدی متولد ۶ بهمن ۱۳۱۸ کلخوران، اردیبل مشهور به ناخدا صمدی ناخای یکم تکاور ریز نشسته نیروی دریایی ارتش ایران) را دیدم، اشک در چشماتم جمع شد و افزود: درباره مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر تحقیق کردم از روز شمار شروع کردم تا خاطراتی که صمدی درباره آن روزها نوشته است، حتی با یکی از تکاوران دریایی که این روزها در خرمشهر راننده تاکسی است، حضوری مصاحبه کردم. از روزنامه‌ها عکس گرفتم و خیر را جمع کردم. در نتیجه یک وینس‌سال تحقیق،متوجه‌شدم‌می‌توانم رمان را شروع کنم.

احمد محمود شروع کننده ادبیات دفاع مقدس است

کریمی در ارزیابی کتاب‌هایی که در حوزه دفاع مقدس نوشته شده است، بیان کرد: زمانی که نوشتن درباره دفاع مقدس شروع شد،مانند هر کار دیگری که شروع می‌شود با ضعف‌هایی مواجه بود،خیلی از نویسندگان به دلایل سیاسی و اجتماعی وارد این حوزه نشدند. نخستین رمان‌های قوی جنگ را از نویسندگان بزرگی مانند احمد محمود داریم که «زمین سوخته» را نوشت. احمد محمود شروع کننده ادبیات دفاع مقدس است. رمان زمین سوخته سال‌های جنگ را روایت می‌کند و از خنده‌های اهواز می‌گوید که با توپ کوبیده شد.او در بررسی ادبیات دفاع مقدس ادامه داد: در دهه‌های بعد شهریار مندنی‌پور رمان «دل دلدادگی» را می‌نویسد، رمان دو جلدی که مانند سریال «گل پامچال» است. روند نوشتن در حوزه دفاع مقدس شروع شده بود اما متأسفانه حمایت نشد تا نویسندگان بزرگ ما وارد این حیطه‌شوند.این نویسنده با تأکید بر اینکه تا نویسندگان دفاع مقدس حمایت نشد، افزود: جای اینکه از نویسنده‌های بزرگ حمایت‌کنیم که در درباره دفاع مقدس بنویسند،خواستیم افرادی را تربیت کنیم که در این حوزه بنویسند، به نظر این دیدگاه به ادبیات دفاع مقدس ما ملطمه زد.

زبان، جهان‌تاریک‌روشن انسان است که از آغاز آفرینش در حال صیروت و بازسازی سازمان خویش است، نهادی پرآمده از زندگی اجتماعی انسان که افراد جامعه را به هم وصل می‌کند. بر این اساس تحقق زبان و امر زبانی نیازمند یک رابطهٔ دوسو به‌بین متکلم و مخاطب است. از طرفی نظام زبان یک نظام استعاری است که محصول ذهن انسان و برای فهم آن چیزی است که در بیرون از ذهن او به شکل واقعی وجود دارد و همین ماهیت استعاری زبان است که فاصله‌ی او را با حقیقت رقم می‌زند. بنابراین برای دستیابی به حقیقت، زبان نه تنها ابزاری ناکارآمد که حتی اسباب اغواگری است.

در هر نظام زبانی، واژه‌ها (دال‌ها) جانشین چیزها عم از اشیا و حالات و فعل و انفعالاتند و برای مثال واژه‌ی گیاه جانشین چیزی است که داری شکل و مشخصات فیزیکی است و اگر مخاطبی زبان فارسی نداند چیزی از این دال نخواهد دانست. همچنین ما در زبان از دال‌هایی استفاده می‌کنیم که در دنیای واقعی مدلولی ندارند مثل همین گیاه، موسیقی، انسان و ساختمان و بی‌نهایت کلمه‌ای که در دنیسای زبان زیست می‌کنند و محصول ذهن انتزاعی انسان‌اند که در دنیای واقعی وجود ندارند. در بادی امر، گیاه به یک راستنی مشخصی دلالت نمی‌کند و آن انواع گوناگونی با نام‌های متفاوتی دارد و یا در حیطه‌ی ساختمان از برج میلاد گرفته تا دخمه‌های تنگ و تاریک، مدلول دالی به نام ساختمان است و انسان نیز شکل و شمایل و شخصیت بی‌شماری دارد که ما در نظام زبانی با این تباین و تناقض‌ها کنار آمده‌ایم و همه‌ی این‌ها حاکی از استعاری بودن زبان است. و گویا از همین روست که برخی از فلاسفه، زبان را نه تنها وسیله‌ی تفاهم که آن را ابزاری برای سوتفاهم بین انسان‌ها قلمداد می‌کنند. هر چند زبان را باید فراتر از گفتار دانست و زبان ناشنویان گواه متفن و روشنی بر این ادعاست. در حقیقت زبان اشاره، سامانه‌ی زبانی جامعی است که در تعامل حرکات دست و دهان و… متکلم و چشم مخاطب شکل می‌گیرد. به هر حال زبان گفتاری در زبان‌شناسی اهمیت بسیاری دارد. این زبان وارد حوزهی نوشتار و دیگر ابزارهای ارتباطی می‌شود و نسبتاً طولانی در دو روز متوالی با او سعادت مضاعفی بود که نصیب ما شد.

با او برای عکاسی یا به روستای امد و پشت از تفاعات شمالی شهر گذاشتیم و بعد از اتمام عکاسی به یکی از سفره‌خانه‌های روستای گاو‌ه‌زنگ رفته‌و نان و نمکی تازه کرده و در کنارش غلغله‌ای در دل گلدانی انداخته‌و دودی به تفنن هوا کردیم. در بارگیم آتش و دود و در دل نسیم موسیقی در

آن حسیه نسبتاً کوچک، زنبور عسلی در جستجوی شهد و شیرهای، راهی به امن حریم بافته و گل سینهام را گزید، زنبوری که به جای میکیدن گل سرخ سینه‌ی دلبری، گل ناشکفته‌ی سینه‌ی ما را گزید و اینک سه روز است سوز پرفش گاه‌گذاری زنگ سینه‌ام را می‌فشارد و جنبشی کوه‌ناه و کوچک در آن میدانک سرخ‌بر پامی‌کند.به هر صورت گفت و گوی ما را از پس این ماجرا بخوایند:

جناب آقای غنی‌لو، نخستین سوال بنده از شما این است که نقش زبان در هویت انسانی چیست؟ آیا می‌توان زبان را هویت انسان‌ها قلمداد کرد و اساساً زبان چه تأثیری روی رفتار و گفتار انسان‌ها دارد؟
بی‌اتلازم است باالرجاع به نظریه‌ی سوسور معانی مختلف واژه‌ی زبان را متمایز و مشخص کنیم تا در طول مصاحبه و موقع صحبت از زبان بدین‌کدام دال از این مدلول مورد نظر است. سوسور برای اشاره به زبان از کلمه پارول (پافول (parole)، لانگ (Langue) و لانگاز (langage) استفاده می‌کند. لانگاز به زبان عام‌انسانی و توانایی کلی انسان برای زبان‌مندی و زبان‌وری اشاره دارد. این مفهوم شامل قوه‌ی ناطقه و توانایی‌های ذاتی شناسختی و روان‌شناسختی است که به طور زنتیک‌ا امکان فراگیری زبان را برای نوع انسان فراهم می‌کند. گرچه چامسکی در نظریه‌ی زبانی خود از واژه‌ی لانگاز استفاده نمی‌کند ولی با قدری تسامح می‌توان از اصطلاحات و ترم‌های ایشان برای توضیح و صورت‌بندی این مفهوم استفاده کرد. چامسکی زبان را موهبتی بیولوژیک و زنتیکی خاص انسان می‌داند، بدین معنا که ذهن انسان زخم خوردنی روزگار است و از دوست به یادگار دردی دارد و من با بهانه‌های پی در پی، در هر دم شکستن دیوار انسروا و عزلت‌گزینی او بومد و بعد از سرواده‌ی ممتد توفیق یاقتم قول و قرار مصاحبه‌ای با او فراهم کنم و اینک خویش را امثل آن پیکسر تراش شهری می‌دانم که مجسمه‌ی داوود را از دل سنگ مرمر بیرون کشیده است. می‌دانم که داوود ما نیز در دل سنگ بود و من با تراشیدن تکه‌پار‌های زائد و قطعات اضافی و پیراستن هستی اصلی سوژه‌ام، داوود را از دل سنگ درآوردم.

زودون لایه‌های ملال‌آور روزمرگی از زندگی اصلی چهره‌ای چون «توکل» همان فرایند پیرایش مجسمه‌ای

زبان، گلدان تمدن است

گفتگو با دکتر توکل غنی‌لو، زبان‌شناس



اوست که اینک بصورت یکپارچه بیرون آمده و در معرض دید مخاطبان است. کاش این داوود باز دیگر به غار خود باز نگردد و از ملاقات با آنتاب نگرزد.

غنی‌لو کوشگری خوش سلوک است و به خاطر دوری از زادگاهش امکان ملاقات مامیانه‌ی شد، سرانجام بعد از جلب نظر او برای گفت‌وگو موفق شدیم همدیگر را در خانه‌ای پاییزی شهر دربراییم و دیناری تازه کنیم. دیداری نسبتاً طولانی در دو روز متوالی با او سعادت مضاعفی بود که نصیب ما شد.

با او برای عکاسی یا به روستای امد و پشت از تفاعات شمالی شهر گذاشتیم و بعد از اتمام عکاسی به یکی از سفره‌خانه‌های روستای گاو‌ه‌زنگ رفته‌و نان و نمکی تازه کرده و در کنارش غلغله‌ای در دل گلدانی انداخته‌و دودی به تفنن هوا کردیم. در بارگیم آتش و دود و در دل نسیم موسیقی در

آن حسیه نسبتاً کوچک، زنبور عسلی در جستجوی شهد و شیرهای، راهی به امن حریم بافته و گل سینهام را گزید، زنبوری که به جای میکیدن گل سرخ سینه‌ی دلبری، گل ناشکفته‌ی سینه‌ی ما را گزید و اینک سه روز است سوز پرفش گاه‌گذاری زنگ سینه‌ام را می‌فشارد و جنبشی کوه‌ناه و کوچک در آن میدانک سرخ‌بر پامی‌کند.به هر صورت گفت و گوی ما را از پس این ماجرا بخوایند:

جناب آقای غنی‌لو، نخستین سوال بنده از شما این است که نقش زبان در هویت انسانی چیست؟ آیا می‌توان زبان را هویت انسان‌ها قلمداد کرد و اساساً زبان چه تأثیری روی رفتار و گفتار انسان‌ها دارد؟

بی‌اتلازم است باالرجاع به نظریه‌ی سوسور معانی مختلف واژه‌ی زبان را متمایز و مشخص کنیم تا در طول مصاحبه و موقع صحبت از زبان بدین‌کدام دال از این مدلول مورد نظر است. سوسور برای اشاره به زبان از کلمه پارول (پافول (parole)، لانگ (Langue) و لانگاز (langage) استفاده می‌کند. لانگاز به زبان عام‌انسانی و توانایی کلی انسان برای زبان‌مندی و زبان‌وری اشاره دارد. این مفهوم شامل قوه‌ی ناطقه و توانایی‌های ذاتی شناسختی و روان‌شناسختی است که به طور زنتیک‌ا امکان فراگیری زبان را برای نوع انسان فراهم می‌کند. گرچه چامسکی در نظریه‌ی زبانی خود از واژه‌ی لانگاز استفاده نمی‌کند ولی با قدری تسامح می‌توان از اصطلاحات و ترم‌های ایشان برای توضیح و صورت‌بندی این مفهوم استفاده کرد. چامسکی زبان را موهبتی بیولوژیک و زنتیکی خاص انسان می‌داند، بدین معنا که ذهن انسان زخم خوردنی روزگار است و از دوست به یادگار دردی دارد و من با بهانه‌های پی در پی، در هر دم شکستن دیوار انسروا و عزلت‌گزینی او بومد و بعد از سرواده‌ی ممتد توفیق یاقتم قول و قرار مصاحبه‌ای با او فراهم کنم و اینک خویش را امثل آن پیکسر تراش شهری می‌دانم که مجسمه‌ی داوود را از دل سنگ مرمر بیرون کشیده است. می‌دانم که داوود ما نیز در دل سنگ بود و من با تراشیدن تکه‌پار‌های زائد و قطعات اضافی و پیراستن هستی اصلی سوژه‌ام، داوود را از دل سنگ درآوردم.

زودون لایه‌های ملال‌آور روزمرگی از زندگی اصلی چهره‌ای چون «توکل» همان فرایند پیرایش مجسمه‌ای

اگر به تعبیر ویل دورانت چهار عنصر اساسی برای تمدن در نظر بگیریم یعنی پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش برای فهم و بسط و توسعه هنر، کاملاً مشخص است که بدون زبان امکان نداشت تمدن ایجاد شود و گسترش یابد. هر چهار رکن تمدن زیاتمند و مبتنی بر زبان هستند و بدون وجود زبان امکان تحقق هر یک از این ارکان تمدنی و به تبع آن تمدن غیر ممکن می‌شد.

گرچه بر خلاف علوم دقیقه با تجربی و علمی رغبت تلاش متخصصان علوم اجتماعی و رفتاری برای تجربی کردن این علوم، به جهت ماهیت موضوع و فقدان شواهد و داده‌های عینی لازم، مطالعه‌ی مسائل انسان به اندازه‌ی کافی علمی به مفهوم تجربی نیست، و عموماً نظر به پردازی (speculation) و حدس و گمانه‌زنی علمی است، اما با مطالعه‌ی فرایند فراگیری زبان توسط کودک و تطبیق این فرایند به توسعه و تکامل زبان در انسان، می‌توان به این نتیجه رسید که انسان هم این فرایند را در توسعه‌ی زبان طی کرده است. کودک در فراگیری زبان ابتدا در حصار اینجا و اکنون (here and now) محصور است، یعنی صرفاً می‌تواند زبان را برای اشاره به اشیا و اشخاص حاضر استفاده کند و از توانش زبانی برای اشاره به اشیا و اشخاص دیر و دور برخوردار نیست. مثلاً نمی‌تواند راجع به گذشته و آینده و پدیده‌های انتزاعی صحبت کند. احتمالاً انسان در فرایند تکامل و توسعه‌ی زبان همین روند را طی کرده است. بنابراین برای اندیشیدن و صحبت کردن راجع به پدیده‌های انتزاعی و نیز غایب، نیازمند تکامل زبانی بوده‌است. به اعتباری بدون تکامل زبانی اساساً تصور ذهنی از پدیده‌های انتزاعی و دیر و دور ممکن نبوده‌است. لذا عناصر تمدنی بدون توسعه و تکامل زبان امکان تحقق نداشتند و تمدن با توسعه‌ی زبان و در بستر آن امکان‌پذیر شده‌است. پس ارتباط بین انسان‌ها، خلق و آفرینش ادبیات، دین، باورها و مناسک، به اشتراک گذاری و تبادل افکار، اندیشه‌ها و احساسات، بسط و توسعه‌ی دانش، علم و تکنولوژی، فرهنگ و هنر و انتقال آن‌ها صرفاً از طریق زبان میسر شده است و بدین گونه تمدن و مدنیت بشری در بستر زبان نضج گرفته و شکوفا شده‌است.

جناب دکتر چه رابطه‌ی دیالکتیکی بین زبان و اندیشه وجود دارد؟
رابطه‌ی زبان و اندیشه را از دو منظر می‌توان مورد بحث قرار داد: زبان به عنوان اسباب اندیشه و تفکر یعنی ابتدای اندیشه بر زبان و امتناع تفکر بدون زبان، و یا زبان به عنوان ابزار بیان اندیشه از منظر سازماندهی، بیان و انتقال اندیشه بلاشک ارتباط وثیقی بین زبان و تفکر وجود دارد. بدون وجود زبان، امکان بیان و انتقال اندیشه نبود و به تبع آن امکان خلق و به اشتراک گذاری آثار اندیشه‌ای نظیر علم، هنر، ادبیات و غیره وجود نداشت. زبان اجتماعی سازی و به اشتراک گذاری اندیشه و تفکر فردی را ممکن می‌سازد. بدون زبان حتی اگر اندیشه و تفکر ممکن باشد. در ذهن فرد باقی می‌ماند و زبان است که بین‌اندهائی شدن و اشتراک، انتشار و انتقال اندیشه را محتمل می‌سازد. به عبارتی دیگر، زبان و فرهنگ زندماند بیش از هر عنصر دیگری معرف این وجه هویتی است.

زبان نه تنها خود یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت است، بلکه یکی از ابزارها و عناصر کلیدی شکل‌گیری هویت انسان‌هاست که حتی در فرایند شکل‌گیری هویت‌های دیگر نظیر مذهب، ملیت، نژاد، نسل، جنسیت و غیره و خودآگاهی نسبت به آنها نقش بی‌بدلی ایفا می‌کند. از نظرمنظریاجربی زبان با قدرت انسجام‌بخشی (cohesive force) خود نقش وحدت‌آفرین و همبست‌ساز دارد و در نتیجه زبان‌وران یک زبان از حدی از همبستگی زبانی (Linguistic solidarity) برخوردار هستند. درجه و میزان این همبستگی البته در جوامع زبانی و حسب شرایط حاکم متفاوت است، ولی عموماً همبستگی زبانی میان برخی از جوامع زبانی نظیر ترک‌زبانان، آلمانی‌زبان‌ها و فرانسوی‌زبان‌هایش تراست.

گرچه زبان معمولاً به عنوان عنصری از هویت اجتماعی شناخته می‌شود ولی در سطح پارول نشانگر هویت فردی نیز هست. وقتی ما از زبان خاصی صحبت می‌کنیم، زبان‌وران این زبان از دانش مشترک زبانی برخوردار هستند. اما این به معنای عدم تفاوت‌ها و وجود گونه‌های مختلف آن زبان نیست. برخی از این گونه‌های زبانی اجتماعی هستند یعنی به جمعی از زبان‌وران آن زبان تعلق دارند نظیر لهجه و گویش، اما در سطح فردی نیز هر کدام از افراد جامعه‌ی زبانی گونه‌ای منحصر به فرد از زبان را به کار می‌برند که اصطلاحاً لهجه‌ی فردی (idiolect) گفته می‌شود که طبعاً بخشی از هویت آن شخص محسوب می‌شود.

در کنار این کار کرد‌های هویتی که اشاره کردید می‌خواهم بپرسم، زبان چه نقشی در تمدن بشری دارد؟

موج‌پیداری



آرزوهای کال

زنی که وقت زیامانش نبود

فاطماسیاحتی

با چهره‌ای برافروخته، نگاه شعلهور و چشم‌های اشک آلود وارد اتاق شد. در یک دستش ساک لباس و در دست دیگری سبد گردش و پیک‌نیک که درونش فلاسک و لیوان و دستمال کاغذی به چشم می‌خورد شال آبی روی سرش آسمانی و دکمه‌های ماتئی مشکی اش به خاطر شکم پرآمده‌اش از حلقه در آمده بود. دی‌حالت کلافه ساک و سبدش را روی تخت انداخت و سرش را روی بالش گذاشت و بی‌صدا گرید کرد. پس از چند دقیقه گوشی همراهش را از جیبش درآورد و با ملرش تماس گرفت و به زبان ترکی گفت: «آبی می‌خوان ترخیص‌کنن سزارین نمی‌کنن، می‌گن زودمه، چه ضرر بانقلش خوبه، اما تکون نمی‌خوره، چیکار کنیم.» مادر آن طرف خط سکوت کرده بود، حرفی نداشت و نمی‌توانست برای دخترک مستاصل راهکاری بدهد. این را از جواب کوتاه و نماسی که بدون خداحافظی به پایان رسید، حدم زد. بعد به شوهرش زنگ زد و بدون سلام و احوال پرسى با لحنی شکایت‌آمیز گفت: «گل منی آیار (بیامونبیر) مریدباعصبانیت از آن سوی خط شروع کرد به داد زدن که نمی‌توانم. دارم کار مگه بچه نیاید به دنیا بیاد… تلفن را با نامایدی و بی‌تابی قطع کرد.

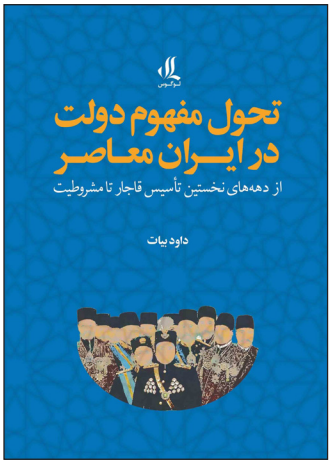
صورت کودکانه معصومی دلنشت‌ناش را نیز پسیدیم. مقدمه گفتیم: «پدله‌ی!» چه‌تفسیر؟ «چشم‌هایش درخشید و لبخندنی روی لبش دوید و گفت «بله پسر» با بشیطت گفتیم: «خوشت اومد جنسیت بچه‌ات رو درست حاشی زدم؟» بر مزمرعی گنهمی صورتش برای لحظه‌ای آفتاب شدی تابید و شکمش را با افتخار نوازش کرد. با لحن و حالتی صمیمانه گفتیم: «عزیزم خودت هنوز بچه‌ای و داری و بچه به دنیا می‌آی، آری، نه‌پاینتش ۱۷، ۱۸ سالته.» گفت: «آره» ۱۹ساله و اینم بچه‌دومه؟ پرسیدیم: «مگه چندسالگی ازواج کردی؟» گفت: «۱۲ساله بومد به زور شوهرم دادن دوست نداشتم عروسی کنیم. دلم می‌خواست با بچه‌ها بازی کنم. اما نداشتر هر وقت بچه‌ها رو می‌دیدم دارن بازی می‌کنن عصبانی می‌شدم. دلم نمی‌خواست اون‌ها بازی کنن. اما مادرم می‌گفت برات لباس عروس می‌خرن. طلا می‌خرن، کفش‌های خوشگل و قشنگ می‌خرن. اما دوست داشتم بازی کنیم.» گفتیم: «آخه چرا بچه‌ی ۱۲ساله رو مجبور به ازواج کنن؟!» گفت: «توروستای ماهمه‌ی دختره زانر ۱۲سال عروسی کنن.» ما گه دختری سنش از ۱۲سال بگذره عروسی نکنه دیدگه اون هیچ‌کم نمی‌گیره. مادر در دلم گفتم بچه‌ی منم ققدر از این اصطلاح کلاسی از آن گرفتیم: «متنفرم در دلم می‌گوبن: گویید گرفتن زنا این گرفتن جان و زندگی یک دوست‌تافتن گرفتن عمر و آرزوهای یک دختر است. ادامه داد: «دختر خال‌م ۱۰ساله بود نامزد کرد. اول قدر کوچک بود لباس عروس براش پیدانکردن، آخرش به پیراهن صورتی پوشیده.» این فاجعه باورم نمی‌شود. فکر می‌کردم کودک همسری مربوط به سال‌های دور است و در نهایت در شهری‌های مرزی محروم اتفاق می‌افتد پرسیدیم: «اهل کدام روستایی؟» گفت: «روستایی… از توابع «ماهنشان» است و شروع کرده به آدرس دادن و من که تصویری از آن جغرافیا ندارم، محو معصومیت او بومد گفتیم: «عزیزم! خیلی زود ازواج کردی، باید درس می‌خواندی، بزرگ می‌شدی بعداً.» ادامه نادم با حرف‌های پراچید او را از ناتحت می‌کردم او که قصصی رو نداشت. خویش گفت: «صاحب اون دلنش‌جوهایی که می‌خواندن کربشن را دیدم، با هم سنخ و چه قدر خوشبختی.» دلم برای او و آرزوهای کالش سوخت. گفتیم: «ساعت چندسالتشه؟» گفت: «۱۳۰.» بالبعجب! گفتیم این زن به احتمال خیلی زیادی می‌سواده که این تراژدی را به شانده زندگی می‌نشانند! پرسیدیم: «شوهرت باهات خوبه؟» گفت: «ما شوهرم می‌ترسم. هشش به من می‌گه تا تو اولش مریش بوی، هر وقت منم بپرسم مریش می‌شیم می‌گه شما هشتن مریش می‌شید، شوهرم ۹سال از من بزرگ‌تره اما هر یکلش خیلی از من گنده‌تره. اون موقع که تازه ازواج کرده بودیم به من می‌گفت بوس بده اما من ازش می‌ترسیدم. می‌گفت بیا بغلم من فرار می‌کردم. دو سال اول که ازواج کرده بودیم بچه دار نمی‌شدم مادر شوهرم می‌گفت بچه دار نمی‌شده طلاقش بده. بچه الان شوهرم هرچی می‌شه می‌گه طلاقش دم.» با خودم گفتم: «طلاق تحمیلی در بچه‌ی روشنی برای دختران ترس‌خورده‌ای چون توست. دستکم این نهال نوپا در کنف حمایت صاحبش می‌بالد و آرزوهای کالش روی شاخه‌ی بلوغ به بار می‌نشیند. چون سمآوری لبریز در دلم غلغله بود که پرستار وارد اتاق شد و از دخترک پرسید خون‌نات کجاست؟» دخترک با دستپاچگی جواب داد: «همینجا زنجان هستیم.» گفت: «خون‌تو نچقدر طول می‌کشه بیای بیمارستان؟» گفت: «نیم ساعت، نه‌ان! یک ساعت.» ناشرانه رو غمی گفتیم: می‌ترسید روستایی بودنش در روند جراحی و سزارین تأثیر بدی بگذارد. بچه اولش را طبیعی بدنی آورده بود. از زیمان طبیعی می‌ترسید. دلش می‌خواست سزارین شود. از اینکه بلایی سر بچه‌اش بیاید مضطرب بود. پرستار گفت: «وسایلت رو برادر بریم بالا بپخش.» ماندن گنجشک‌کی که ز برابران مانده‌باشد، نگاهم کرد و گفت: «بچه‌ام ملازمت زبان با اندیشه اعتقاد ندارد.

افلاطون اندیشیدن را سخن گفتن روح انسان با خود می‌دانست. به عبارتی به زعم افلاطون اندیشیدن نوعی زیان‌بند است و اندیشه چیزی جدا از زبان نیست. و اتسون از روان‌شناسان رفتارگرا نیز چنین اعتقادی دارد. بزم‌آهتسون تفکر همان سخن گفتن است که در آن اندام‌های گفتاری حرکت و تقیاض خفیی دارند به طوری که منجر به تولید صدانمی‌شود. یعنی در حقیقت… **ادامه در صفحه‌ی روبرو** و از اتاق بیرون رفت.



نشر لوگوس منتشر کرد:

تحول مفهوم دولت در ایران معاصر



سرچشمه—باوقوع انقلاب مشروطه و تأسیس دولت جدید تاریخ ایران وارد دوران آستانه‌ای خود و شاهد هم زمانی امور ناهم‌زمان شدن‌این پدیده‌از یک‌سو،مفکمت‌گسست‌وازدیگر سو زمینۀ پیوست‌زبان و نظام مفاهیم دورهٔ قدیم و جدید‌را در ساحت‌مفهوم دولت‌همایک‌دضرباهنگ‌تن‌زمان‌مدارن‌معانی نوین دولت‌را در قالب مفاهیم زبانی زمان کُند سنت ریخت ولایۀ معنایی کاملاً متفاوتی با لایه‌های معنایی قدیم دولت‌به وجود آورد. در چالش و تنازع میان دو مفهوم قدیم و جدید، لاجرم مفهوم دولت، دچار لایهام، بحران و ایهام گردید؛ بحرانی که بنیاد دیگر بحران‌های تاریخ معاصر بود. بررسی این بحران ولایه‌لازمندگی معنایی‌وسیر تحول‌معناشناختی‌ویپارادایمیک مفهوم دولت‌در متن منابع زبانی، نیز در بستر تاریخ اجتماعی و سیاسی دوران آستانه‌ای ایران، محور اصلی پژوهش حاضر است.این پژوهش آشکار می‌سازد که مشروطه‌در فاهمه ایرانی مفهومی خلق‌الساعه‌نبوده‌واز چندهفت‌عقلم‌تر لایه‌های معنایی آن‌در ذهن و زبان ایرانی ظهور یافته‌است.

گفتنی است دکتر دواد بیات، مؤلف کتاب «تحول مفهوم دولت در ایران معاصر» دانش آمُوخته‌ی علوم سیاسی است. او کارشناسی علوم سیاسی‌را در دانشکدهٔ تهران، کارشناسی ارشد اندیشه‌ی سیاسی در اسلام‌را در پژوهشکدهٔ امام خمینی و انقلاب‌اسلامی و دوری دکتری علوم سیاسی—گرایش مسائل ایران—را در دانشگاه مفیدقم‌به اتمام رسانده‌است. بیات، مقالات متعددی در حوزه‌ی علوم سیاسی نوشته‌است و این کتاب نخستین اثر ایشان است که در روزهای اخیر توسط نشر لوگوس چاپ و منتشر شده‌است.

ظریف در دیدار با فعالان ترک: همدیگر را پذیریم

سرچشمه— در دیدار دوم جمعی از فعالین ترک از مناطق مختلف آذربایجان و تهران با معاون راهبردی ریاست جمهوری که چندی پیش برگزار شد، نکات مختلفی در مورد مسائل ترک‌ها و سایر گروه‌های غیر فارس در ایران مطرح شد. نخست حجت‌الاسلام رحمت‌الله بیگلری، عضو شورای راهبری دولت چهاردم با ارائهٔ تاریخچه‌ای از سرکوب هویتی ترک‌ها و سایر گروه‌های ملی در ایران با شروع از دوره پهلوی، بر بروز رگه‌هایی از شوونیسم قومی در سیاست‌های دولت‌های پس از انقلاب تاکید کرده و خواستار مقابله با این مسئله‌شد.

این فعال سیاسی همچنین از انتصاب برخی افراد با گرایش‌ات انحصار گرایانهٔ قومی زبانی در پست‌ها و معاونت‌های دولت جدید که افکار عمومی این‌دهندگان ترک را مغشوش کرده‌است، انتقاد کرد. هم‌زمان او نیز بر فعال سیاسی ترک ضمن ارائه تاریخچه‌ای از تشکیل دولت-ملت در ایران تاکید کرد. تعریف ایرانیت در تقابل با یک‌تبار باوقعبت‌ایران‌ساز گارنیتسک‌زمانی که در سوم کشور زبانی‌ان‌غیر فارس تشکیل می‌دهند تعریف سیاست داخلی و خارجی بر مبنای زبان فارسی معقول نبوده‌است. غنی لوه‌مچنین افزود که درست‌از گفتمان ترک‌واز آذربایجان در یکبارگیری نیروهای ترک در رده‌های مختلف دولت ضروری است و انتصاب شخص ترکی که حامل گفتمان فارسی/ مرکز گرایانه‌است هیچ ارزشی ندارد.

در ادامهٔ موعظهٔ حسن‌زاده‌باش‌به‌مسئله‌ی انسجام‌اجتماعی در دوره‌ی معاصر بر لزوم طرح مجدد این مسئله و صورت‌بندی آن بر محوریت گروه‌های ملی حاشیه‌ای شده تاکید کرد. این جلسهٔ شایست با اشاره به نقش تاریخی مرکز بررسی‌های استراتژیک جمهوری در گفتمان‌سازی پیرامون مسئله‌ی انسجام اجتماعی بر لزوم دوری از شعار گرایبی و ارائه‌ی راهکارهای عملی برای مسائل جوامع پیرامون تاکید کرده و خواستار نقش آفرینی معاونت راهبردی ریاست جمهوری در این زمینه‌شد.

وی با اشاره به مطالبات آذربایجان و جوامع پیرامون از دولت جدید، بر مطالبات خلق عظیم‌ر‌زای‌دهندگان‌از دکتر پز شکیان در آذربایجان و سایر مناطق عصب‌شناسی، روان‌شناسی، علوم دولت‌چهارده‌م‌عنوان کرد.

یکی از موضوعات مورد بحث در این نشست طرح شوینیستی بسندگی فارسی بود که آقای ظریف ضمن اذعان به عدم اطلاع از این طرح در دولت‌های قبلی، با اشاره به دورویکرد آمریکایی (Melting Pot) و کلدانی (Mosaic) در مباحث هویتی و زبانی، گفتند زبان فارسی زبان رسمی کشور است آن‌الزامی است.

دکتر احمدی نیز از نخبگان و فعالین حاضر در جلسه ضمن توضیح دقیق مسئله‌تاکید کرد.ندما مهاجر به‌ایران‌نیستیم‌که‌ما‌زا تست‌بسن‌دگی فارسی بگیرند، ما بومی و موسس ایرانی‌یم و تا

سالگی با فرزندان‌مان ترکی صحبت می‌کنیم و یادگیری کسی حق ندارد ما بسندگی فارسی بخواهد. **ستون‌روبر و آبگینه**)

تفکر مثل سخن گفتن است، بدون اینکه اندام‌های گفتاری به اندازی کافی منقبض شده و منجر به تولید صداهای زبانی شود (سخن گفتن بدون تولید صدا یا articulation).

البته دراینکه تفکر و اندیشه شامل چه فرایندهای ذهنی می‌شود اتفاق نظر وجود ندارد. معمولاً حل مسئله، مفهوم سازی و استدلال از مولفه‌های اصلی تفکر بر شمرده می‌شود. بر این اساس، طرفداران دیدگاه جدایی تفکر از زبان با استناد به توان حل مساله در حیوانات و نیز به توانش زبانی افراد دارای مشکلات شناختی و از طرف دیگر توانایی شناختی در افراد دچار زبان پریشی، استدلال می‌کنند که تلازمی بین زبان و تفکر نیست و اندیشیدن بدون زبان امکان‌پذیر است و تفکر بدون زبان، صورت می‌گیرد.

این دیدگاه‌ها تا چه اندازه با نظر برخی فلاسفه و زبان شناسان که زبان را مقدم بر اندیشه می‌دانند و می‌گویند این زبان است که واقعیت‌ها را می‌سازد، همخوانی دارد؟
همانگونه که عرض کردم بر خلاف دیدگاه دوم، طرفداران دیدگاه اول این چنین می‌اندیشند و آن‌دیدگاه‌ه‌خوانی کامل با نظر این فلاسفه و زبان‌شناسان دارد و زبان را مقدم بر اندیشه می‌دانند. به عبارتی زبان را نه صرفاً ابزار و وسیله انتقال اندیشه بلکه به‌عنوان‌السیب‌اندیشه‌می‌دانند و بدون زبان، امتنع می‌دانند. بر اساس این دیدگاه وقتی شما مفهومی‌سازی می‌کنید این مفهوم‌سازی بیش از واقعیت بیرونی ذهنی مبتنی بر زبان‌است به‌عنوان مثال ما در جهان بیرونی حیوان ندانیم بلکه حیوانات عینی خاص نظیر گاو، گوسفند، آهو، بز، اسب، الاغ و غیره داریم آنچه که ما به عنوان حیوان در ذهن تصور می‌کنیم مبتنی بر زبان‌است یعنی چنین مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی بر اساس زبان انجام می‌گیرد تا واقعیت بیرونی با تصورات ذهنی، به عبارتی این زبان است که اندیشه را شکل می‌دهد و ممکن می‌سازد فرضیه‌ی سایپر—وورف نمونه‌ی اعلاّی از این رویکرد (Sapir-Whorf hypothesis) یا نسبیّت زبانی (Linguistic Relativity) انسان‌ها جهان را بر اساس ساختار زبان‌شان تجربه می‌کنند و مقولات زبانی فرآیندهای شناختی را شکل می‌دهد و آن‌ها را محدود می‌کند. بنابراین تفاوت‌های زبانی، بر تفکر، تفهم و ادراک و رفتار تأثیر می‌گذارد و در نتیجه زبان‌وران زبان‌های مختلف به‌طور متفاوتی می‌اندیشند و رفتار می‌کنند.

مثال متعارف برای این امر کلمهٔ برف در زبان فارسی و «snow» در انگلیسی در مقابل چندین کلمه در زبان اسکیمو‌هاست. طبیعتاً درک و تصور یک انگلیسی زبان یا فارسی زبان از متعلدی برای برف دارد. مثلاً حسب سال‌هایی که با بارش آن برف گذشته یعنی سن برف، میزان انجماد آن و غیره و این باعث می‌شود که او برف‌های مختلف‌رو تمیز دهد. در حالی که همین آن‌ها برای یک فارسی زبان با انگلیسی زبان برف و «snow» هستند. همین امر در مورد کلمات مختلفی که برای درد در زبان ترکی وجود دارد صادق است: گۆنر، سیزیلیر، آجیشیر، زوققولور، ساجیر، باتیر، گوز، بلیز، آغیر. و… طبیعتاً تصور درد داشتن با هر کدام از این واژه‌ها تفاوت هر چند جزئی خواهد داشت، یعنی ادراک و تصور یک فارسی زبان از درد مورد نظر متفاوت از تصور ترک‌زبانی خواهد بود که از این واژه‌ها استفاده می‌کند.

پس آیا واقعاً زبان مقدم بر اندیشه است، یا به عبارتی نقشه‌ی راه‌داینامیک و پیوسته‌فعال و پراز تاکتیک‌اندیشه است یا نه مصداق فونداسیون و مصالح مورد استفاده‌ی ساختمان رویه‌تکونین اندیشه‌است؟

عالم غیر صحت‌نسبی فرضیه‌ی سایپر—وورف، به‌طور مطلق نمی‌توان اندیشه را منحصر زبان تلقی کرد. به نظر می‌رسد دیدگاه متعالف در واقعیت امر نزدیک باشد که رابطهٔ زبان و اندیشه متقابل، همه‌را تأثیر و تاثر، دیالکتیک و دو طرفه‌است. هم‌زمان با شکل دادن، سامان دادن و انتقال آن، بر اندیشه تأثیر دارد و هم اندیشه، نوع نگاه، پیشش و نگرش می‌تواند بر زبان گذاشته‌است و مفاهیم خاصی که از نظر ذهنی و اندیشه‌ای برای ما شناخته شده است نیازمند نام‌گذاری می‌شوند به همین جهت برای آن‌ها همی انتخاب می‌شود. بدین ترتیب اندیشه باعث زایش کلمه و بسط زبان می‌شود.

باتوجه‌اینکه‌مانگامی‌کمی‌اندیشیم‌باضمیر خود سخن می‌گوییم آیا با هر زبانی که در هر سنی و به هر شیوایی آموخته‌ایم اندیشیم؟ اساساً منشا اندیشه چیست و واقعاً چه رمز و رازی بین ذهن و زبان وجود دارد؟

گرچه رابطه‌ی بین زبان و ذهن و زبان و مغز در طول تاریخ علم مورد مناقه و مطالعه‌ی دانشمندان زیادی قرار گرفته‌است اما ماهیت این رابطه هنوز هم به جهت پیچیدگی خاص خود کاملاً مشکوف و مشخص نیست. علی‌رغم وجود دلایل مختلف فلسفی، علمی و روش شناختی برای وجود نوعی رابطه بین زبان و مغز، اما ماهیت آن مورد توافق نیست. این موضوع مورد مطالعه‌ی عصب‌شناسی، روان‌شناسی، علوم شناختی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان و عصب‌شناسی زبان است. دیدگاه تقلیل گر در این موضوع در پی رابطه‌ی مستقیم و یک‌به‌یک بین ساختار مغز و ساختار زبان است و به همین جهت عصب شناسان مراکز زبانی در نیمکره‌ی چپ قشر مغز برای گفتار شفاهی و درک شفاهی زبان معین کردند. در مقابل کل گراه‌ها که کشف سطوح مختلف سازمان‌بندی زبان و فرایندهای ذهنی در مغز بودند و البته سازمان‌بندی و بازنمایی زبان در مغز روندسادهای نیست.

زبان از طریق آموزش و پرورش و انتقال ارزش‌های جهانی، چپ‌قشر مغز برای گفتار شفاهی و درک شفاهی زبان معین کردند. در مقابل کل گراه‌ها بر تخصصی کردن بخش‌های مختلف مغز، نیمکره‌های مغز را تخصصی می‌کند. ساخت گرامری رمز و نیمکره‌ی چپ و جمله‌های وابسته به بافت و



زبان، گلدان تمدن است

ادامه‌ی گفتگو با دکتر تو کل غنی لو



ادامهٔ عمل می‌تواند برای اهداف ضد توسعه‌ای و ایدئولوژیک هم مورد استفاده قرار گیرد.

تعدادی از مولفه‌ها یا ساختارها گفتمان ماره‌هستند یعنی به کارگیری یا عدم به کارگیری آن‌ها و یا تغییر و تبدیل آن‌ها به صورت‌دیگر، مبنای مهمی‌شود.از متن پرشده‌ت‌های متفاوتی‌شود، مطلبی پوشیده و مبهم‌شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند یا بخشی از متن برجسته‌شود و بخشی دیگر به حاشیه رود. بنابر نظر فر کلاف (Fairclough)، آگاهی بخشی و قدرت‌دهی هدف اصلی تحلیل انتقادی گفتمان‌است. با تحلیل مولفه‌های گفتمانی می‌توان اتانار‌های از متن ایدئولوژی زبانی کرد.

انسان به جهت زبانشدن بودن، تنها موجودی است که قادر به دروغ گفتن است. زبان به عنوان شکلی از عرف اجتماعی مطلق پوشیده و مبهم‌شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند. بدین معنا که نحوی استفاده ما از زبان تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و روابط قدرت است. زبان هم برای مشروعیت بخشی و هم برای مشروعیت‌زدایی از اندیشه قابل استفاده است. زبان می‌تواند به گونه‌ای استفاده شود که عدم توازن قدرت و ایدئولوژی‌ها را تداوم بخشد. کلیشه‌ها را تقویت کند یا گفتمان سیاسی ممکن است افکار عمومی را نه مطلق واقعیت‌ها بلکه بر اساس مطلوب‌های قدرت شکل دهد. از زبان گاهی نه برای افشای اطلاعات واقعی، بلکه برای پنهان کردن حقیقت، وارونه جلوه دادن پدیده‌ها و حوادث، قدیس‌سازی خودی و شیطان‌سازی دیگری و ایزاری برای

دیگرسئزی استفاده می‌شود. به عنوان مثال صرفاً به جهت تعلقات فکری و سیاسی، فردی که سال‌ها برای انقلاب و تغییر رژیم سیاسی سابق فعالیت داشته و متحمل رنج زندان شده غیرفعال می‌شود. در مقابل فردی بدون هیچ صیغه و سابقه در انقلاب و جنگ، انقلابی نامیده می‌شود. فردی که برای دفاع از تملیت‌ارضی وطن ایثار‌جان و جوانی کرده، به جهت علاقه به زبان و فرهنگ مادری و مطالبه‌ی حقوق قانونی و عدالت زبانی و فرهنگی، انگ و ظن‌فروش و تجزیه‌طلب می‌خورد و در مقابل فردی مقیم در مملکت بیگانه که دشمنان وطن را براری از مملکت شورش و تخریب می‌کند، صرفاً به دلیل باورمندانی به تاریخ خبیالی و تقوی فرهنگی و زبانی خود، وطن پرست و ملی معرفی می‌شود. پس زبان قابلیت حسن استفاده توسط مصلحان و آزاداندیشان در راستای توسعه، بسط دانش، عدالت و آزادی، و پتانسیل سوسه استفاده از طرف دشمنان جامعه باز و صاحبان سلطه و هژمونی و متنعمان ترک‌حیات، بالاخره جبهه‌ها، بطور هم‌زمان دارد. است.

ارتباط یک زبان با زبان دیگر چه تأثیری بر توسعه‌ی آن می‌گذارد. یک زبان بدون تعامل با زبان‌های دیگر تا چه حد می‌تواند زنده بماند و اساساً چه دیالکتیکی بین زبان‌های مختلف حاکم‌است؟

تعامل بین زبان‌ها نقش حیاتی در توسعه و بقای آن‌ها دارد. زبان بدون تعامل با دیگر زبان‌ها ممکن است به تدریج دچار رکود شود و بر معرض خطر لغزش قرار گیرد. تعامل زبان‌ها می‌تواند به تبادل فرهنگی و غنی‌تر شدن زبان‌ها کمک کند و در نهایت به پویایی آن‌ها منجر شود.

تغییرات زبانی معمولاً با دو مکانیزم داخلی و بیرونی اتفاق می‌افتد. مکانیزم داخلی مبتنی بر اصال صرفه/ اقتصاد زبانی یا اصل کم‌کوشی است. فرایندهای تغییرات واجی در طول زمان، همچنین سایش هاو کوتاه‌شدن واخربخ تغییرات دستوری

مطابق همین اصل انجام می‌گیرد. تغییرات بیرونی مستوی تعامل یک زبان با زبان‌های دیگر است.

زبان‌ها در تعامل با همدیگر معمولاً از یکدیگر واژه قرض می‌گیرند و این وام‌گیری دایره‌ی لغات زبان را افزایش می‌دهد. و به‌توجه‌واژگانی زبان کمک می‌کند. به‌عنوان نمونه زبان ترکی واژگان زیادی از زبان‌های غربی و فارسی وام گرفته‌است و همین‌گونه زبان فارسی کلمات کثیری را از زبان‌های غربی،

ترکی و فرانسه قرض گرفته‌است. این امر تا وقتی که هویت زبان را تهدید نکند، به غنای واژگانی زبان کمک می‌کند. مثلاً کلمه‌ی برادر در زبان فارسی موجود است اما واژه‌های عربی و ترکی اخوی و داداش باعث شده‌است که زبان فارسی در کانتکست‌ها و کاربردهای مختلف از امکانات واژگانی وسیع‌تری برخوردار شود و این امر زبان‌وران را در انتخاب واژگان متناسب با سبک‌ها و گونه‌های زبانی مختلف کمک می‌کند. روشن است که این تأثیر صرفاً در سطح واژگان نیست، در سطح دستوری هم ممکن است این اتفاق بیفتد و زبان‌ها از همدیگر متأثر شوند. حتی در سطح نظام آوایی همین امر ممکن است اتفاق بیفتد.

مثلاً در زبان ترکی واج /r/ در اول کلمه قرار نمی‌گیرد و به همین خاطر در کلمات دخیلی که با واج /r/ شروع می‌شوند متناسب با اولین واکه مصوت آن‌ای یا او به اول کلمه اضافه می‌شود، مثلاً رحم به صورت ایر‌رحیم، روس به شکل اوروس تلفظ می‌شود. ولی تعامل زبان ترکی با زبان‌های عربی و فارسی باعث شده‌است تا تحت تأثیر این زبان‌ها، واج آوایی ترکی تغییر یافته و وقوع واج /r/ در اول کلمه (حائلاً در مورد کلمات دخیل) را ممکن ساخته‌است.

این تعاملات ممکن است منجر به تغییرات ساختاری و گرامری هم بشود. تا زمانی که این تغییرات ساختار کل زبان و هویت آن را به خطر نیندازد و آن را تبدیل به یک زبان پویج یا آمیخته‌ن‌کنند می‌تواند به‌غنی‌زبان کمک کند. اما اگر این تأثیرات آن‌چنان زیاد باشد که زبان بیشتر واژگان خود را از دست بدهد و یا واژگان بیگانه جایگزین کند و نیز نحو زبان به‌طور عمده تحت تأثیر قرار گیرد به‌طوری‌که دیگر تبدیل به یک زبان آمیخته‌شود، باید نسبت به ادامه‌ی حیات آن زبان احساس خطر کرد و تا حد ممکن از تأثیرات زبان‌های دیگر کاسته‌سوی در جلوگیری از آمیختگی بیشتر کرد.

جناب دکتر آیا زبان بدون بازسازی خود می‌تواند به حیات تاریخی‌اش ادامه دهد و به عبارتی آیا زبان‌ها هم برای بقا و ادامه‌ی حیات خود نیازمند روح تجدیدنند یا بازسازی و نوسازی از کاتیسیم و نظام ساختاری خود قوام‌یابد یا نه با همان ذخایر کهن خود می‌توانند دوام یابند و در صحنه تمدن جهانی حضور فعال داشته‌باشند؟

زبان به‌عنوان یک سیستم به‌مثابه یک کارگزاریم‌هست و همانند هر ارگانیزم دیگری نیاز به تطبیق خود با محیط و اکوسیستم دارد. تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فنی و تکنولوژیک باعث می‌شود که پدیده‌ها، کانسپت‌ها و مفاهیم جدیدی به وجود بیاید. برای همین زبان باید قدرت تطبیق با این تغییرات و توان نوسازی برای تطبیق خود با نیازهای به وجود آمده را داشته باشد. به ویژه از نظر واژگانی. واژگان نیز به مانند انسان زاده می‌شوند، زندگی می‌کنند و می‌میرند، و به جای آن‌ها واژگان دیگری متولد می‌شوند. البته این امر منحصراً به واژگان نیست و سایر عناصر و ساختار زبان هم ممکن است نیاز به تطبیق با شرایط محیطی داشته باشند، اما واژگان بیش از سایر عناصر زبانی بر معرض تغییر و دیگرونی هستند. ساختار زبان، نگارش و القاب‌ای زبان هم می‌تواند موضوع تطبیق باشد. گرچه زبان‌ها برای ادامه‌ی حیات تاریخی خود به بازسازی و تجدیدن نیاز دارند، اما در عین حال باید ذخایر کهن خود را نیز حفظ کنند. این تعادل بین نوآوری و حفظ هویت تاریخی – فرهنگی به آن‌ها کمک می‌کند تا در صحنه تمدنی حضور داشته باشند و به‌بقای خود ادامه دهند. بدون این توانایی‌ها، زبان‌ها ممکن است به تدریج دچار رکود، تقلیل حوزه‌ی نفوذ، کاهش زبان‌وران و کاروشی شوند.

تجدید یعنی که در دنیای امروز بحث مالیاتی، اکولوژیسم مطرح است، به عبارتی انسان‌های چند فرهنگی و اندیشه‌های پیوندی ظرفیت جدیدی برای فرهنگ‌ها و ملت‌ها به شمار می‌روند ولی در جغرافیای سیاسی ما هنوز درک درستی از آن وجود ندارد در حالی که تجربه‌ی کشورهای کاتادوا امریکا و حتی سنگاپور نشان می‌دهد که می‌توان در چار‌چوب پیشرفت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و تکنولوژیکی از چندگانگی فرهنگی نیز برخوردار بود و اساساً هر فرهنگی به بمن مابده با فرهنگ‌های دیگر توسعه‌ی یابد. به نظر شما چه مولفه‌هایی برای نیل به چنین نگرشی و پذیرش این اصل اساسی در دنیای امروز وجود دارد؟

تقویت چندفرهنگی و چندزبانگی می‌تواند جوامع راغنی کند. در کانتقابل افزایش دهد. چندفرهنگی و چندزبانگی واقعیت‌انکارناپذیر حقیقتی ایرانی است. با این وجود به عنوان یک ارزش فرهنگی پذیرفته نشده‌است. یکی از جدی‌ترین موانع این امر نگاه مطلق گرا به فرهنگ زبان و مذهب در جامعه‌ی ایرانی است. واقعیت امر این است که اکثریت نمی‌تواند خود را نسبت به تسهیم و تقسیم فرصت‌ها و امتیازات فرهنگی، زبانی و مذهبی راضی کند. به عبارتی ما با انحصار گرایی فرهنگی مواجه هستیم و این پیش و پیش از سیاست، ریشه در فرهنگ‌ها دارد. اما سیاست‌گذارانی فرهنگی و زبانی می‌تواند این مشکل را حل کند و جامعه‌راهی طرف‌تکثر فرهنگی و پذیرش ارزش‌های این تکثر رهنمون کند. این سیاست‌گذارانی ابتدا باید مبتنی بر آموزش باشد. باید نظام آموزش و پرورش را در برنامه‌ی درسی خود چند فرهنگی و چند زبانی را بگنجاند. به عنوان یک ارزش و میراث فرهنگی جامعه‌ی ایرانی آن را ترویج کند. برای تمام زبان‌ها، اقوام، مذاهب، هر فرهنگ‌ها، لیبل ایزانیت بزند و ایزانیت را شامل تعریف کند. به نظر می‌رسد بهترین و اولین نقطه‌ی شروع برای این امر که بستر قانونی هم برایش فراهم است، تدریس زبان‌های غیر فارسی در مدارس است. پذیرش عملی پلورالیسم‌زبانی و قبول الزامات آن اولین قدم در محای تبعیض و دیگرسئزی فرهنگی و قبول پلورالیسم فرهنگی است.



رویی، هنرمند روایتین ماجراسی (اوشاق ادیباتی)

یازار نمور بار کمقدی—عربجه‌من‌چو نیرن‌سایان ذبیحیان
قدیم‌اله‌انلا درنجیرنسغیل
شهرین شولوقلوغوندا
روبی‌آملی‌بالاجبیررویات
یاشساییری رویی‌ساده
عادی‌بیرویات‌دنبیلدی،
اونون ماراقلان پارلاق
مساوی گۆزلسری و
یازار دجیبیلینا جان‌آتان

اورگی وار ایلی، باشقا رویتالار ایسه اؤز مکتبتیکی ایشلری ایله مشغول ایدیلر.
آما رویی گونلرینی رنگ و شکل لرین اؤیرنمسی یله کنجیبری دی. او رسام اولماق آرزو سوندایدی.
بیر گون، رویی شهرده گزرکن، بیردن سیره قدیمی و توریقالی بناپاراست گلدی کی اونون اوستونده کی تابلو دایر یازمیشدی:
«پروفوسور جنینئرین ایش‌نیشی»
عجیب‌طرز هفتقلینی ایشلادی و اؤزونو پروفوسور جنینئر آملی یاشلی اختر اچی چی نی قارشیسینا تاپدی.
اونون اووزن آغ ساققالی و بیلگین گۆزلری رویی نین رویتالارینی آنلادی دی.

سلام کنج رویی— پورفوسور تبسومله اونو قارشیلادی. من سنده هنور گۆرورم، بورا گل. من سنه هنور نین معجزه‌پرینی گۆسترجم… و بتلاییکله رویی اوستادین شاگیردی اولو. رنگلرین سحرینی شکل لرین گۆزلبلیگی وخیالین گوجونو اؤز گنمگه باشلادی.

گونلر هفتله ره دؤنلو، رویی نین هنوره اولان هوسی داها دا چوخلادی.
آما اونون عهدلیمسیندن گله بیلیمه‌دیگی بیر شئی وار ایلی— اونون اللری رویت ال ایلی. او شکل لری دقیق چکه بیلیمیری و آگری سحنی نلر ده چیتنلیک چکیردی رویی احساس‌انله می کی، خیال‌لار نینان اوزاقشیر، و بولون اوچون روحی سه‌ه‌ازالدی.

بیر گون اورتا سونراسی، رویی ایش یثربنده اومودونو الدن وئرمیش حالدا اوتورموشلو کی، گیزلینجه نارنجی رنگ بیر پیشیک اونون اطرافیندا دولا مانغا باشلادی. او پیشیک فیرجاسینی گۆتوروب، شیظنت ایله رساملیغا باشلادی.
اونون گۆزلرینده مهر بیانیلیق پارلادی ریدی. آنچاق فیرجاسینی چکهدرونی نین ناراحت‌اینی حیس‌انندی. او با یاختینا لاشیب سوروشونو اومودونو زولماروی من سینه‌نیتایر ام گل خیالی نی گرچکشدنیرمگه بیر اول تاپاق!»

شینان اومودا باشلا لیر لار، اونلار هر گون بیر شئی اؤز گنر لیر. رویی وفیر چالار گونلر نیشی تجربه یارادیجیلاشاق ایدر. بیرلار، اونلار رویت اوچون نینسان قولو کیمی دقیق حرکت ائدن اؤزل بیر قول دوزنلندیلر. رویی یشنی بیر یارادیجیلوغی اؤز نپنده، اؤز گلهجه‌یینه بویوک کبر جسرالت تاپدی، پشماچیلوغی اؤز یثربنده اوتورود و هنور ننج تصور ائده بیلیمه‌دیگی طرزه جان‌انلادی. رویی نین حنیر تلندیرجی استعدادی تئزبیر زاماندا جیر نسغیل‌الیسی نین آراسیندا یا ایمالاندی. اینسانلار محدودیتلر میان او حیوان، حقیقی رسام‌اچو نرین رویتانی گۆرمگه هر طرف‌دن توپلا شیدیلار. رویی نین رسملری شهرین دیوارلارینا بزک وئریب. او حرکتلری ایله حیاتین جوهرینی تصویر چکیب. رویی رساملیغا باشلا بلانلانان آذربایجی دی، کی هنور سنوکی موسی سرحداتیمیر.

پورفوسور جنینئر، افتخار لار رویی به باخراق دندی. سن پارلاق اؤرنکسن (نمونهنسن) ای منیم عزیز بوتام. سنین چالشیمافین و یارادیجیلین بیزه گۆستردی کی، حقیقی هنور اوردکن راپرینر ذوقی خوشبختلیکله گولومسه‌دی و بومدنت رساملیغینا دستک اولان دوستانلار غور دودید.

او گونلند، رویی ایله‌ام باغیشلارمان هنور ینه دوام‌انندی

و قارشیلاندیشی هر کسین حیاتی نی سونجین رنگی ایله ایشیقلا ندیردی. جیر نسغیل اوزرنده گونش باتان کیمی رویی خیال‌لار نین حقیقته گرچکشمه‌سینی بیلیدر دی. اؤزلیکلده اورگینه حسارت و قورخما زایلقالا.

بتلاییکلمونیتله گولومسیب‌لور کیندن میتنلاریق بیلیدر دی. رویی پورفوسور جنینئر نیش ایش یشربندان ویدالاشدی و یویولدا سوسوزا کدکسنگلکدن گۆزلخیال‌لاری با لایر لیکهمه‌شیه لیک بوخویا گئنتدی.

در ادامه‌ی نشست، موسی آشفته‌فعال مدنی ترک ضمن تاکید بر گارد موجود در افکار عمومی آذربایجان نسبت به آقای ظریف ناشی از مسائل پیش آمده در تشکیل دولت، خواستار رویارویی اصیل، علمی و کارشناسی دولت جدید، با سیاست‌مطلبان اقتصادمدنی‌گدن گفتارشناسی آن‌الزامی است. وی ضمن اشاره به نگره‌های ناموفق نظیر شبک‌های تلویزیونی استانی و فرهنگستان زبان ترکی تاکید کرد اولویت دادن به خواسته‌های گروه‌های افراطی و انحصارطلب در مرحله عملی کردن کوچک‌ترین مطالبات ترک‌ها این طرح‌ها را به جای ترمیم کننده شکاف به تعمیق کننده شکاف تبدیل می‌کند. لذا در امر آموزش زبان ترکی در مدارس به عنوان وعده فرهنگی اصلی دولت، ترک‌ها این رویکرد سازنده باید مورد تکرار قرار گیرد. دکتر ظریف در پایان صحبت‌ها در واکنش به مباحث مطرح شده تاکید کرد با توجه به حساسیت‌های موجود این دولت تصمیم گرفته‌است برای تمامی طرح‌ها و سیاست‌ها پیوست ملاحظاتی قومی و منطقه‌ای بر اساس مطالبات موجود داشته باشد. وی ضمن تاکید بر در نظر گرفتن تمام‌نکات مطرح شده در این نشست، بر برنامه‌ریزی برای استفاده از نخبگان گروه‌های مختلف افزود و یادباید، رویکرد سازنده باید مورد تکرار قرار گیرد. به مسئله هویت نگاه ایجابی داشته باشیم بطوری که تاکید بر یک‌هویت به معنای حذف‌هویت دیگری نباشد. وی در آخر افزود مسائل مرتبط با قومیت‌ها در ایران امروزه با ملاحظاتی امنیتی همراه بوده که تلاش ما این‌ها را مورد توجه‌کین نگاه‌امینتی نتواند غالب بشود.

نماینده مردم ابهر، خرمدره و سلطانیه:
دستگاه‌ها را با حذف قوانین
سر در گم نکنیم



موج بیداری - نماینده ابهر، خرمدره و سلطانیه در مجلس شورای اسلامی، با کلیات حذف برخی قوانین و احکام در حوزه حمل و نقل، گفت: حذف این قوانین به نفع افزایش بلاکلیفی دستگاه‌ها در اجرای وظایف خود دهن می‌زند. دکتر منصور علی‌مردانی در ادامه‌ی رسیدگی به گزارش کمیسیون اجتماعی در مورد طرح حذف فهرستی از قوانین و احکام در حوزه حمل و نقل، با اشاره به وضعیت مجموعه‌های غزال که به سبب بلاکلیفی دستگاه‌های متولی در حال از بین رفتن و هدر رفت سرمایه می‌باشد، افزود: با همین قوانین نیم‌بند هم چنین مشکلاتی گریبانگیر دستگاه‌های اجرایی و مردم شده است اگر بیایم بدون تعیین قوانین جایگزین، قوانین فعلی را هم حذف کنیم این بلاکلیفی و هدر رفت سرمایه‌ها تشدید خواهد شد.

معاون استاندار زنجان:
جشنواره آش ایرانی
فرستی برای جذب گردشگر است

موج بیداری - معاون توسعه مدیریت و منابع استاندار زنجان با اشاره به نهایی شدن ثبت ملی جشنواره آش ایرانی در تقویم ملی کشور، گفت: با بهره‌گیری از تجارب برای برگزاری مطلوب این جشنواره و جذب بیشتر گردشگران به استان تلاش شود.

مرتیضی شهامی در نشست برگزاری هفدهمین جشنواره ملی آش ایرانی و هجدهمین نمایشگاه صنایع دستی در استان زنجان گفت: برای برگزاری هرچه مطلوب‌تر این رخدادها استفاده از تجارب سال‌های گذشته اهمیت زیادی دارد. وی با بیان اینکه شهرداری و میراث فرهنگی طی سال‌های گذشته، تجارب فراوانی را برای برگزاری این جشنواره‌ها کسب کرده‌اند اظهار داشت: اجاره غرفه‌های جشنواره و ورود حامیان مالی بخش خصوصی می‌تواند به برگزاری بهتر نمایشگاه منجر شود.

این مسئول با بیان اینکه برپندسازی این رخدادها به ویژه جشنواره آش ایرانی به میزبانی زنجان از ابعاد مختلف مهم است، ادامه داد: بنا بر اعلام اداره کل میراث فرهنگی استان زنجان، پوستر جشنواره آش ایرانی دهم همراه با حضور وزیر میراث فرهنگی و گردشگری رومانی خواهد شد و از سوی دیگر ثبت نهایی این رخداد در شورای عالی انقلاب فرهنگی و در تقویم رسمی کشور اهمیت آن را رصد چندان خواهد کرد. وی با بیان اینکه ثبت ملی این رخداد به تصمیم‌گیری در خصوص برگزاری بهترین جشنواره در سال‌های آتی کمک می‌کند، افزود: هزینه کرد استان در این بخش موجب درآمدزایی بیشتر برای استان خواهد شد.

شهامی با بیان اینکه از سال‌های آینده با توجه به ثبت ملی جشنواره ملی آش باید زیرساخت‌های استان برای اسکان گردشگران و مسافران تقویت شود، افزود: هدف اصلی برگزاری این رخدادهای فرهنگی جذب گردشگر و درآمد زایی برای استان است. وی با بیان اینکه در بحث پارکینگ خودروها همواره معضلات و مشکلات وجود داشته است، خاطر نشان کرد: معمولاً در برگزاری این جشنواره ترافیک شدیدی در محل برگزاری برپا می‌شود که افزایش محلوله پارکینگ و تقویت زیرساخت‌های آن می‌تواند معضلات را کاهش دهد. معاون استاندار زنجان با اشاره به ظرفیت بالای استان در حوزه گردشگری، گفت: اطلاع رسانی با استفاده از ظرفیت رسانه‌ها می‌تواند به جذب و ماندگاری بیشتر گردشگران در استان منتهی شود.

مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان:
اجرای آسفالت معابر ۱۸۴ روستا
باعتباری بیش از ۸۱۰ میلیارد
ریال در سال جاری

موج بیداری - آسفالت معابر روستایی، یکی از مهمترین اولویت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی برای توسعه کابردی روستاهاست. به گزارش هم‌مدلی زنجان مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان زنجان، آسفالت معابر روستایی را یکی از مهمترین اولویت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی برای توسعه کابردی روستاها دانست و گفت: در سال جاری آسفالت ریزی معابر ۱۸۴ روستای استان از محل اعتبارات قیر یارانه‌ای با اعتباری بالغ بر ۸۱۰ میلیارد ریال انجام شود. خواهی‌ای ادامه داد: این پروژه‌ها با مساحتی بالغ بر ۷۵۸ هزار مترمربع از سوی این نهاد و مشارکت دهیاری‌ها انجام می‌شود. وی به افزایش ۳۰ درصدی تخصیص اعتبار قیر رایگان استان نسبت به سال گذشته به همت بنیاد مسکن اشاره کرد و افزود: در حال حاضر ۹ هزار و ۸۰۹ تن قیر به پروژه‌ها اختصاص یافته است.

هفت پارک و فضای سبز در شهر زنجان به بهره‌برداری رسید



شهردار زنجان با بیان اینکه مجموعه فضای سبز شهر زنجان در طی ۲ سال اخیر رشد چشم‌گیری داشته است، گفت: از سرانه ۱۴۲ مترمربع در این مدت به ۱۵۸ مترمربع رسیده است. وی عدد سرانه فضای سبز را برای شهر زنجان قابل ملاحظه خواند و تصریح کرد: شهر زنجان جز سرانه‌های بالا فضای سبز در سطح کشور بشمار می‌رود. شهردار زنجان با اشاره به اینکه متأسفانه در زمان شیوع بیماری کرونا بارها شدگی پارک‌ها مواجه شده بودیم، افزود: حدود ۸۰ درصد مبلمان و تجهیزات پارک‌ها از بین رفته بود که از سال ۱۴۰۱ به مرور پارک‌ها مورد تعمیر و تجهیز شهردار زنجان خاطر نشان کرد: این رویداد یک کامیابی نظیری در مجموعه شهری زنجان بوده است. وی با بیان اینکه امروز ۶ پارک و یک فضای سبز به صورت هم‌زمان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و مجموعه شهری شهر زنجان اضافه می‌شود، افزود: از اواخر سال گذشته عملیات اجرایی این پارک‌ها آغاز و در سال جاری با اعتباری بالغ بر ۳۵۰ میلیارد ریال تکمیل و به بهره‌برداری رسید. شهردار زنجان با اشاره به اینکه علاوه بر این موارد پروژه‌های بزرگ شهری دیگری همچون بوستان شهر نیز در حال احداث است، خاطر نشان کرد: در حال حاضر پیشرفت فیزیکی این پروژه ۷۰ درصد است و با تجدید قرارداد مجدد، اقدامات سریع‌تری پیگیری خواهد شد. فیروزفر با اشاره به اینکه همچنین در حاشیه زنجان و نیز مهار فاضلاب در دست اقدام است، افزود: پس از تکمیل مهار فاضلاب سال آینده ساحل‌سازی زنجانرود آغاز خواهد شد.



بنفرد وین آسمنت

آیین بهره‌برداری از ۷ پارک احداث شده شهر زنجان

۳ مهرماه ۱۴۰۳

مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری زنجان
WWW.ZANJAN.IR

پارک شهر	پارک آفتاب	پارک آسمان	پارک آرزو	پارک آینه	پارک آینه	پارک آینه
مساحت: ۳۰ هزار مترمربع	مساحت: ۳۰ هزار مترمربع	مساحت: ۳۰ هزار مترمربع	مساحت: ۳۰ هزار مترمربع	مساحت: ۳۰ هزار مترمربع	مساحت: ۳۰ هزار مترمربع	مساحت: ۳۰ هزار مترمربع

فیروزفر با بیان اینکه استاندارد سازی پارک‌ها در دو سال اخیر انجام شده است، ادامه داد: در طی این مدت ۷۰ درصد پارک‌ها در سطح شهر زنجان استاندارد سازی شده است. وی در ادامه در پاسخ به سوال خبرنگاران در خصوص احداث پارک خبرنگاران اظهار کرد: احداث این پارک در عهده شهرداری نبوده بلکه بر عهده اداره کل راه و شهرسازی است و در این راستا نیز طی دو سال گذشته توافق بین دو ارگان صورت گرفت تا شهرداری عهده‌دار احداث این پارک شود که مورد موافقت شهرداری قرار گرفت و تأمین هزینه‌ها نیز از سوی اداره کل راه و شهرسازی صورت پذیرد. شهردار زنجان، تصریح کرد: برای شروع احداث

پارک‌ها در دو سال اخیر انجام شده است، ادامه داد: در طی این مدت ۷۰ درصد پارک‌ها در سطح شهر زنجان استاندارد سازی شده است. وی در ادامه در پاسخ به سوال خبرنگاران در خصوص احداث پارک خبرنگاران اظهار کرد: احداث این پارک در عهده شهرداری نبوده بلکه بر عهده اداره کل راه و شهرسازی است و در این راستا نیز طی دو سال گذشته توافق بین دو ارگان صورت گرفت تا شهرداری عهده‌دار احداث این پارک شود که مورد موافقت شهرداری قرار گرفت و تأمین هزینه‌ها نیز از سوی اداره کل راه و شهرسازی صورت پذیرد. شهردار زنجان، تصریح کرد: برای شروع احداث

نماینده مردم زنجان و طارم در مجلس:
کوتاهی برخی دستگاه‌ها
قابل پذیرش نیست



موج بیداری - نماینده زنجان و طارم در مجلس شورای اسلامی با ابراز نارضایتی از عدم جذب موقع برخی اعتبارات طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۴۰۲ توسط برخی دستگاه‌های اجرایی استان زنجان گفت: ماندن جو مصرف

نشده اعتبارات مذکور به طور جدی مورد رصد و پایش قرار گرفته و کوتاهی دستگاه‌های مرتبط در جذب موقع اعتبارات استانی و ابلاغی از طرف مسئولین ذیربط پذیرفتنی نیست. دکتر نیناله محمدی در گفتگو با موج بیداری از برخی کوتاهی‌های موجود در برخی دوایر اداری و مدیریتی استان انتقاد کرده و افزود: در دفاع از حقوق قانونی مردم با کسی تعارفی نخواهد داشت.

وی با استناد به پیگیری‌های انجام شده با اشاره به اعلام به موقع قوانین و مقررات ناظر بر مهلت جذب و مصرف اعتبارات طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از طرف دیوان محاسبات به استانداری زنجان اعلام نمود فهرست دستگاه‌های دارای مانده‌ی ملموس و وجه مصرف نشده تا پایان دهم مهرماه و آخرین روز مهلت قانونی برای برگشت وجوه مصرف نشده به خزانه در صورت عدم اتخاذ تدابیر لازم برای تعیین تکلیف وجوه قابل انتشار عمومی می‌باشد. عضو کمیسیون بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در ادامه به اثرات منفی برخی از ناکارآمدی‌ها در عرصه مدیریت استان اشاره کرد و افزود: از جمله عدم پیگیری موثر آمیولاس‌های زمین‌گیر شده و خارج از چرخه خدمت، وجود دیالهامات قانونی در جذب و به کارگیری نیروی انسانی در دستگاه‌های اجرایی و بخش غیر دولتی (ایران ترانسفو) و نیز وجود تبعیض در استخدام نیرو که موجب انطباق به اعتماد عمومی می‌شود از مواردی هستند که نباید مورد اغماض واقع شوند. محمدی همچنین با اشاره به انتصاب مدیران برخی از دستگاه‌های اجرایی بدون توجه به قوانین و مقررات و بخشنامه‌های صادره مقاومت لایحه‌آمیز در برابر رای و درخواست مراجع قانونی و وزارتخانه‌ی متبوع در برکناری مدیر یکی از دستگاه‌های اجرایی استان در بخش تخصصی از دیگر مواردی است که نماینده زنجان از طرف مجلس شورای اسلامی در این باره است. وی با بیان اینکه نماینده مردم زنجان و طارم اقدام موثر در تأمین منابع مورد نیاز استان از مازاد درآمدهای مالیاتی و ظرفیت‌های قانونی پیش

بینی شده در بخش معادن و جرم‌های رانندگی وجود لایحه‌ها در نحوه تأمین هزینه مسافرت و مأموریت خارجی برخی مدیران و تشریفات زاید و تأخیر در ارائه خدمات به مردم در برخی موارد از جمله طولانی بودن جواب‌به برخی استعلامات یا طولانی بودن فرایند رسیدگی به پرونده‌های کمیسیون ماده ۵ در برخی مواقع اشاره نمود و گفت: امیدواریم این نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌ها در اسرع وقت حل و فصل گردد و وی هدف از نظارت در مراحل اولیه مسائل را رفع لایحه‌ها و اصلاح امور و نیز کاهش مشکلات دانست و اظهار کرد: در صورت تاووم مشکلات از ظرفیت‌های قانونی در سطح ملی و استانی جهت رفع لایحه‌ها یا کاهش مشکلات استفاده خواهد شد. محمدی در پایان تأکید کرد: نظارت در خصوص نحوه انتخاب برخی پیمانکاران و مشاوران در بخش عمومی در مواردی که تشریفات مناقصه را شروع کرده‌ایم که لازم است برخی مسئولان مربوطه در این خصوص پاسخگو باشند.

خانه خدیوی زنجان
رستوران سنتی می‌شود

موج بیداری - معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان گفت: خانه خدیوی با تصمیم مالک و علاقه‌وی به بناهای تاریخی و تاریخ زنجان، تبدیل به رستوران سنتی خواهد شد. به گزارش ایسنا محمدرضا محمدپور با اشاره به اینکه خانه خدیوی جزو بناهای دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی است، اظهار کرد: در این زمان پلان‌هایی وارد ایران شد که مثل خانه ذوالفقاری و خانه خدیوی به صورت ۲ طبقه بنا شده است. وی در ادامه از خانه جمالی و شیخ‌الاسلام به عنوان خانه‌هایی با نقشه‌های قدیمی یاد کرد و گفت: ویژگی خاص این خانه‌ها موزای با آداب اسلامی بوده به طوری که کسی که از جلوی در زدمی شام‌کان دیدن داخل حیاط خانه، ایندانشت معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان در مورد تاریخچه خانه خدیوی نیز عنوان کرد: خانه خدیوی در دی ماه ۱۳۷۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. محمدپور افزود: در چنانسال گذشته خانه خدیوی توسط مالکان مورد استفاده بود ولی پس از فوت مالک (ناصر خدیوی) خانواده آن مرحوم هم خانه را ترک کردند و گفت: بعد از ثبت این خانه، میراث فرهنگی با توجه به رسالتی که داشت اعتباراتی را برای مرمت در نظر گرفت. محمدپور با بیان اینکه خانه خدیوی چند دوره مرمت شده است، گفت: آخرین دوره مرمت برای سال گذشته است که در این مرحله دیوار محوطه ساخته و سقف اصلاح و مرمت شده است.